

۲- با تشکیل نیروی نظامی جدید راهپارا امن و تجارت را رونق داد و پست مرتب در مملکت ایجاد کرد .



میرزا تقیخان امیر کبیر (۱۲۶۸ - ؟ ۱۲۲۰)

از روی تصویری که بقلم محمد ابراهیم نقاشباشی در ۱۲۶۵ قمری یعنی در حیات امیر کبیر کشیده شده و نگارنده آنرا از شادروان ممتازالدوله رفاهی سال ۱۳۱۵ خورشیدی گرفت عبارتست که در بالای تصویر دیده میشود بدینقرار است .

بحسب امیر مبارک سرکار اقدس شهرتاری روحخانه الفداه تصویر جناب جلالتناوب صاحب السیف والقلم مقتدی الرجال والامم آصف الامجد الافخم الاجل الاکرم سرکار امیر کبیر میرزا تقیخان دام الله اقباله جان نثار محمد ابراهیم نقاشباشی ۱۲۶۵

۳- بودجه کشور را موازنه بخشید - حقوق مأمورین و خدمتگزاران را معین و دخل و رشوه را ممنوع فرمود - مالیات ها را بنفع مردم جرح و تعدیل کرد - قبول مستمری ها را حذف نمود .

۴- عده‌ای را با اروپا فرستاد تا علوم و صنایع بیاموزند. عده‌ای معلم از ممالک خارجه استخدام کرد. دارالفنون را در تهران تأسیس فرمود.

۵- مأمورین روس و انگلیس را که در امور مملکت علناً مداخله میکردند و بوسیله اشرا و فتنه و فساد بر پا میساختند از این کار ممنوع نمود.

۶- توجه خاصی بپه‌داشت عمومی فرمود چون امتحان کردن از پزشکان - آبله کوبی عمومی - تأسیس مریضخانه دولتی - ایجاد قرنطینه در مرز برای جلوگیری از ورود وبا - تعیین پزشک برای هر فوج - حفظ آبهای آشامیدنی از آلودگی ...

۷- محدود کردن قدرت علمای ظاهری و منع آنها از مداخله در امور دولتی و اشکال تراشی در اصلاحات فرهنگی - محدود کردن محاضر شرع که بامور قضائی رسیدگی میکردند - جلوگیری از حرکاتی که در تحت عنوان عزاداری بهنگام سوگواری از عوام سر میزد.

بیکگانگان و کسانیکه از این اصلاحات زیان میدیدند بوسائل گوناگون بسعایت پرداختند و شاه جوان را از امیر کبیر ترسانیدند و چندان در اینراه عمل و اقدام کردند که ناصرالدین شاه را وادار بعزل او در ۲۵ محرم ۱۲۶۸ و تبعید بکاشان نمودند و باین نیز اکتفا نکرده در ۱۸ ربیع الاول ۱۲۶۸ آن مرد بزرگ را در حمام فین کاشان رك زدند و مملکت را از داشتن خدمتگزاری لایق و دلیر محروم ساختند.



پس از ملاحظه تاریخچه این دوره میتوان نکات ذیل را خاطر نشان کرد.

۱- از تاجگذاری نادر شاه تا تأسیس دارالفنون بیشتر کشور ما آشفته و متزلزل بود: سلطنت نادر صرف کشور گشائی یا سرکوبی یاغیان یا جنگ با دولت عثمانی شد. از قتل نادر تا استقرار کریمخان زند قریب بیست سال مدعیان سلطنت باهم منازعه داشتند و فقط در حدود پانزده سال مردم بالنسبه در آسایش میزیستند. از وفات کریمخان تا آغاز پادشاهی فتحعلیشاه را آقامحمدخان قاجار برای فراهم کردن وحدت مملکت و مطیع ساختن سرکشان و جنگ با مدعیان سلطنت صرف نمود. قسمتی از سلطنت فتحعلیشاه

نیز بچنگهای روسیه و زد و خورد با عثمانی و دفع گردنکشان داخلی گذشت. بنابراین جای شکفت نیست اگر لطفعلی آذر (متوفی در ۱۱۹۵) صاحب آتشکده در تذکره شعرا نسبت به پریشانی احوال و تزلزل اوضاع بنویسد: «تفریق بال و اختلال حال بحدی است که کسی را حال خواندن شعر نیست تا بگفتن چه رسد.» (۱) با اینهمه در دوره مذکور هاتف اصفهانی بوجود آمد که معاصر آذر و گوینده ترجیع بند معروفی است (متوفی در ۱۱۹۸) - فتحعلی خان صبا (متوفی در ۱۲۳۸) - قآنی (متوفی در ۱۲۷۰) که بسبب متقدمین اشعار نغز و عالی سروده‌اند. در نشر نویسی شیخ علی حزین (متوفی در ۱۱۸۰) صاحب تذکره و میرزا ابوالقاسم قائم مقام (مقتول در ۱۲۵۱) از شیوه متکلف زمان خود احترام کرده و عصر نویسی در روش نگارش پدید آورده‌اند.

۲- سیاست مذهبی سلاطین صفویه موجب شده بود که تمام توجه معطوف به مذهب شود و تنها علوم دینی را دانش نامند و فقط فقیهان را عالم خوانند و برنامه مدارس تقریباً منحصر به فقه و اصول و تفسیر باشد. تحصیل علوم طبیعی و ریاضی مذموم بود و کتب دانشمندان بزرگ در این رشته هاقدر و اعتبار نداشت. این طرز تفکر در این دوره همچنان موجود بود.

اتفاقاً در همین عصر بود که اروپای غربی توجه خاص به علوم طبیعی و ریاضی کرد (رجوع شود به فصل نهم و فصل سیزدهم این کتاب) و در نتیجه بکار بردن آن علوم در زندگانی صنایع بدیعی بوجود آمد که نیروهای نظامی و دریائی اروپا را با اسلحه جدید و سازمان نوین بر اقوام دیگر عالم مسلط نمود. همین علوم و صنایع اروپا و همان عدم توجه ما باعث نفوذ و سلطه دول اروپا بر ایران گردید.

۳- در این دوره مانند دوره صفویه با وجود اینکه دولت عثمانی رو بضعف میرفت همچنان بین ایران و اروپا حائل بود و حتی آمد و رفت مأمورین اروپائی از راه عثمانی بسیار دشوار مینمود چنانکه مثلاً نمایندگان ناپلئون که با دولت عثمانی متحد بود بزحمت میتوانستند از ولایات ترك عبور کنند و بایران بیایند.

۴- سیاست خشن نادر شاه نسبت به مجتهدین و محروم ساختن آنان از عواید اوقاف موقتاً از نفوذ و قدرت آنها کاست و تعدیلی در قوای مملکت ایجاد کرد و تاحدی تعصب و کینه دولت عثمانی را تقلیل داد و روابط بین اهل سنت را با شیعیان بهبودی بخشید. بعداً بواسطه ضعف سلاطین قاجار مجدداً نفوذ مجتهدین رو باز دیار رفت چنانکه دو جنگ بر ضد روسیه با اعلان جهاد از طرف آنها آغاز و موجب شکست و سرافکنندگی ملت ایران شد و بدستور یکی از آنها گریبایدوف (۱) سفیر روس و کسانش در تهران بقتل رسیدند که فتحعلیشاه را ناگزیر بفرستادن نوه خود به پترزبورگ و عذرخواهی نمود. در زمان محمدشاه، حاج سید محمد باقر شفتی (متوفی در ۱۱۶۰) در اصفهان حکم قتل میداد و شخصاً آنرا اجرا میکرد و او امرش در همه جا بیدرنک بکار بسته میشد.

۵- فتح هندوستان جز تشفی غریزه جهانگشائی نتیجه دیگر نداد. غرامات و غنائمی را که نادر شاه با خود آورد چند سالی در کلات نگاهداشت سپس غارت گردید و برای جمع آوری قسمتی از آن جنگها بوقوع پیوست و آدمها کشته شدند. با این همه بهره‌ای بمردم نرسید و چیزی از آن صرف کارهای عام‌المنفعه نگردید.

۶- در نتیجه ترقیاتی که در سلطنت پطر کبیر (۱۷۲۵-۱۷۸۹ میلادی مطابق با ۱۱۳۷ هجری - ۱۱۰۰ هجری) نصیب روسیه شد یعنی در اثر اخذ و اقتباس فرهنگ جدید اروپای غربی و تعلیم علوم طبیعی و ریاضی و فنون نظامی و تشکیل سپاه منظم بر طبق اصول جدید دولت روس مقتدر گردید و شروع به تجاوز کرد و بر نواحی شمال قفقاز دست یافت و اعقابش تا رود ارس تاخندند و قفقاز زرخیز را از ایران بگرفتند و معاهده ننگین ترکمانچای را بر مملکت ما تحمیل نمودند و خواستند از راه ایران به هندوستان و خلیج فارس و دریای آزاد پیش بروند.

انگلستان نیز در نتیجه نشر علوم و معارف و صنایع جدید در همین دوره بر هندوستان تسلط یافت و برای حفظ آن شبه قاره با ایران روابط سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایجاد نمود و تدابیر خاصی برای جلوگیری از روسیه اتخاذ کرد. ایران میدان کشمکش و رقابت بین دو دولت گردید. ملت ایران میان دوسناک آسیا قرار گرفت.

در این گیرودار دولت ایران کوشش کرد از دولت روسی مانند فرانسه استفاده کند ولی مساعی اش بی نتیجه ماند .

۷- معاهده ترکمانچای نه تنها زمینه را برای بسط نفوذ و سلطه روس در ایران آماده کرد بلکه بواسطه شرکت مأمورین روس در کارهای قضائی در امور مملکت ما عملاً مداخله کردند و فتنه ها بر پا ساختند . سایر دول اروپا نیز بموجب بعضی از مواد حقوق بین المللی بعنوان اینکه با دولت ایران دوستی و و داد کامل دارند این معنی را در یکی از معاهدات خود با دولت ایران قید کردند و مانند دولت روس از حق قضاوت کنسولها استفاده کردند و باین ترتیب مجاز بمداخله در امور کشور ما شدند .

ماده دیگری از معاهده مذکور که مداخله دولت روس را در امور داخلی ایران مجاز نمود مصونیت منازل و مغازه های کلیه اتباع روس بود که بدون اجازه وزیر مختار روس یا نماینده او مأمورین دولتی بدانها حق ورود نداشتند .

روسیه بموجب ماده دیگری از عهد نامه ترکمانچای حقوق گمرکی را محدود به پنج درصد کرد و از این راه قسمت عمده واردات و صادرات شمال و مرکز ایرانرا منحصر بخود ساخت و بازار ایران را تحت اختیار گرفت و تاجر باشی های او امور تجارتهای مملکت را قبضه کردند و وسایل نفوذ مسالمت آمیز روسیه را در ایران فراهم ساختند . پس از معاهده ترکمانچای رفتار و معامله مأمورین و اتباع روس با ایرانیان بر اساس زور و حق کشی و اجحاف و تعدی قرار داشت و برای مملکت مایه خفت و خواری و ننگ و رسوائی بود .

۸- در اثر شکست هایی که ایران از روسیه خورد عده ای از اولیای دولت متوجه و متنبه شدند که دیگر با اعلان جهاد و قشون چریک و سازو برك قدیم و اسلحه و مهمات پیش و طرق جنگی سابق نمیتوان در مقابل سپاه منظم دشمن کاری از پیش برد و باید با اخذ تمدن و فرهنگ جدید مانند اروپائیان سرباز را تربیت کرد و مجهز بسلاح جدید و آشنا بفنون تازه نمود . مبادله سفراء و هیئت های نمایندگی متعدد بین ایران و فرانسه و انگلیس و روس و تأسیس سفارتخانه دائمی در تهران از طرف دول مذکور نیز تا حدی طبقه عالی مملکت را با علوم و صنایع و افکار جدید اروپا آشنا ساخت .

ازینرو در ۱۲۲۵ میرزا عیسی قائم مقام (متوفی در ۱۲۴۷ - پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام) وزیر عباس میرزا در آذربایجان یکنفر را برای تحصیل طب جدید بانگلستان روانه کرد و در ۱۲۳۱ یعنی سه سال پس از معاهده گلستان پنج تن دیگر را برای فراگرفتن رشته های مختلف بانگلستان فرستاد و در ۱۲۴۲ کوشش کرد مهاجرین اروپائی را با آذربایجان جلب کند تا زندگانی نوین را بمردم آذربایجان عملاً نشان دهند و وسایل آبادی و ترقی آن خطه را فراهم سازند .

در ۱۲۵۰ مبلغین امریکائی مجاز بایجاد مؤسسات خود در ارومیه (رضائیه فعلی) شدند . در ۱۲۵۶ مبلغین لازاریست فرانسوی اجازه یافتند که در تبریز و جلفا و ارومیه و سلماس مدرسه باز کنند . در ۱۲۶۰ پنج نفر را برای آموختن علوم جدید به فرانسه اعزام داشتند .

آمدن سرتیب گاردان و هفتاد تن معلم و کارشناس و مهندس فرانسوی در ۱۲۲۲ و همچنین استخدام عده ای پزشک و معلم و مدیر مطبعه و مهندس و صاحب منصب انگلیسی از ۱۲۲۴ بیعد همه در نتیجه احساس حاجت بعلوم و فنون جدید بود .

۹- اقدام مهم دیگری که برای تعمیم فرهنگ و نشر معارف بعمل آمد تأسیس چاپخانه است .

صنعت چاپ در وسط قرن نهم هجری در آلمان اختراع شد . کتب فارسی و عربی از آغاز قرن دهم در رم و قسطنطنیه و لیدن (هلاند) شروع بطبع گردید . مسیحیان کرملی (۱) در ۱۰۵۰ در اصفهان مطبعه داشتند . در اوایل قرن سیزدهم هجری کتب فارسی در کلکته بزیور چاپ آراسته شد . نخستین چاپخانه ای که در ایران برای طبع کتب فارسی دائر گردید بسال ۱۲۲۷ در تبریز بود که با حروف سربی کار میکرد (۲) . در ۱۲۳۹ اولین مطبعه سربی در تهران تأسیس شد . سال بعد نخستین چاپخانه سنگی در تبریز شروع بکار کرد و بیست سال بعد یعنی در ۱۲۶۰ نظیر آن در تهران بوجود آمد و بعد عده آنها رو بتزاید گذاشت .

۱- Carmélite ساکن کوه کرمل در فلسطین

۲- قبلادر ۱۱۹۹ مطبعه ای بایران وارد شده ولی از انتشارات آن نمونه ای در دست نیست

بعد از تبریز و تهران در شهرهای دیگر چون اصفهان و ارومیه و شیراز و مشهد و رشت . . . بتدریج مطبعه ایجاد شد .

۱۰- در مطابع مذکور نخستین نشریه‌ها - مانند چاپخانه‌های اروپا در قرن نهم هجری - راجع ب‌مذهب بود و کتبی از قبیل حیات القلوب مجلسی یا حدیقه الشیعه ملا احمد اردبیلی یا رساله حسنیه ملا ابراهیم استرآبادی و رساله سؤال و جواب حاج سید محمد باقر شفتی در آنها بطبع رسید .

در محرم ۱۲۵۳ نخستین روزنامه فارسی بمدیری میرزا صالح شیرازی (از محصلین اعزامی ۱۲۳۱ بانگلستان) بچاپ سنگی در تهران انتشار یافت . بدستور امیر کبیر «روزنامه‌چه دارالخلافت طهران» در پنجم ربیع الثانی ۱۲۶۷ منتشر گردید و از شماره دوم موسوم شد به «روزنامه وقایع اتفاقیه» .

۱۱- در نتیجه مجاهدتهای دولت ایران با استفاده از دوستی و اتحاد ممالک بزرگ اروپا برای حفظ و حراست مملکت از مطامع و تجاوزات روس - در نتیجه مخاصمات بین فرانسه و انگلیس و متحدین آنها در اروپا - در نتیجه استیلاء دولت انگلیس بر هندوستان، ایران با فرانسه و انگلستان رابطه مستقیم پیدا کرد و هیئت‌های نمایندگی متعدد بین ایران و ممالک مذکور مبادله شد و همین مسئله موجب تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی گردید . معلمین و صاحب منصبان اعزامی دول مذکور و استخدام کارشناسان و معلمین فرانسوی و انگلیسی از طرف دولت ایران آموختن زبان فرانسوی و انگلیسی را ترویج نمود . چون مملکت فرانسه با ایران مرز مشترک نداشت ایرانیان تصور میکردند دولت فرانسه کمتر غرض سیاسی در ایران دارد . خون گرمی فرانسویان و تجانس اخلاقی که با ما داشتند - آوازه فتوحات ناپلئون در اروپا و ستایشی که مردم ایران نسبت با او ابراز میکردند - نفوذ فرانسه در لبنان و فلسطین و سوریه از زمان جنگهای صلیبی عواملی بود که تدریس و تعلیم زبان فرانسه را در ایران بیشتر منتشر نمود . ازینرو مدارس فرانسوی زودتر دائر شد و فرهنگ فرانسه سریعتر رواج یافت و در تعلیم و تربیت جدید، نفوذ فرانسه از ممالک دیگر بیشتر و مؤثرتر بود .

۱۲- در این دوره عده‌ای کتب از فرانسه و انگلیسی به فارسی ترجمه شد مانند تاریخ پطر کبیر و تاریخ شارل دوازدهم (پادشاه سوئد) تألیف ولتر (۱) و تاریخ اسکندر مقدونی که بدستور عباس میرزا به فارسی نقل گردید و جام جم در جغرافیا که فرهاد میرزا پسر عباس میرزا تألیف نمود و جغرافیا ترجمه و تألیف فلاغون میکائیل انگلیسی که در ۱۲۶۷ در تبریز چاپ شد (بدستور امیر کبیر) یا «نظام ناصری» در فنون جدید جنگی بقلم بهرام میرزا پسر عباس میرزا که بدستور امیر کبیر بطبع رسید و این ترجمه‌ها و تألیفات در توجه دادن مردم به فرهنگ جدید اروپا کمک شایان کرد.

۱۳- در ظرف این صد و بیست سال، در مدت کوتاهی که فی الجمله امنیت و آسایشی دست داد و نویسندگان به تصنیف کتاب یا سرودن شعر پرداختند، تألیفاتشان تنها بر پایه و اساس مذهب و احادیث و اخبار نبود بلکه از سرچشمه حکمت و عرفان نیز بهره مند بود.

۱۴- تمام اقداماتی که در ظرف پنجاه سال از آغاز سلطنت فتحعلی شاه بعمل آمد یعنی استخدام معلمین خارجی - اعزام محصل باروبا - دائر شدن مدارس فرانسوی و مؤسسات امریکائی - تأسیس چاپخانه و روزنامه - تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی - ترجمه کتاب و رساله از زبانهای مذکور به فارسی زمینه را برای تأسیس دارالفنون از طرف امیر کبیر آماده و مهیا ساخت.

مطابق اطلاع نگارنده در این دوره دو تن از نویسندگان دربارهٔ
تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده و هر دو در فرهنگ عصر خویش
نفوذ بسیار داشته‌اند. یکی ملامهدی نراقی است که از علمای
معروف بوده - تألیفات زیاد در فقه و اصول و ریاضی داشته -
کتاب مفصلی نیز در علم اخلاق بنام **جامع السعادات** بزبان عربی تألیف کرده که مکرر
بطبع رسیده و نظریاتش در خصوص آموزش و پرورش در ضمن آن بیان شده است.
لامهدی نراقی بسال ۱۲۰۹ در حدود شصت سالگی در کاشان وفات یافته است.

لامهدی نراقی

و

ملا احمد نراقی

دومی ملاحمد نراقی پسر ملامهدی نراقی است که در ۱۱۸۵ در نراق متولد شده و در ۱۲۴۵ در کاشان جهانرا بدرود گفته است (۱).

طبق شرح حالی که از او در قصص العلماء و نجوم السماء آمده وی از مشاهیر علما و متنفذین عالیقدر بوده - در کاشان سکونت داشته - بریاست دینی و دنیوی مردم و تدریس و تألیف روزگار خود را بسر آورده است. از مهمترین تألیفات او به عربی سه جلد در علم اصول است بنام منهاج الاصول - عین الاصول - مفتاح الاصول و يك جلد در فقه بنام مستند الشیعه .

ملاحمد نراقی طبع شعر نیز داشته و صفائی تخلص میکرده و کتابی بنام طاقدیس مشتمل بر حکایات و تمثیلات بسبک مشوی مولوی و کتابی بتقلید کاستان بعنوان خزائن تألیف نموده است .

شیخ مرتضی انصاری معروف و یغما شاعر شهیر از شاگردان او بوده اند و برای او مدرسه سلطانی بدستور فتحعلی شاه در کاشان ساخته شده است . چون ملاحمد نراقی نظریات پدر خود را از کتاب جامع السعادات بزبان فارسی نقل کرده و آنرا معراج السعاده نامیده ذیلاً بشرح کتاب مذکور اکتفا خواهد شد .

ملاحمد نراقی نظریات خود را درباره تعلیمات عالییه در کتاب **معراج السعاده** بیان داشته و آن کتاب را چهار باب است (۱).

در دیباچه کتاب منظور و علت اقدام خود را بدین نحو تشریح کرده است :

«ظاهر و روشن و ثابت و مبین است که دفع صفات ناپسند و کسب ملکات ارجمند موقوف بر شناختن آنها و اصول و اسباب هر یک و کیفیت معالجات مقرر است و متکفل بیان تفصیل این مطالب علمی است که تعبیر از آن بعلم اخلاق و حکمت خلیقه مینمایند و بهترین نسخ و کتب از حیث نظم و ترتیب و حسن ترکیب و تعبیر لائق و تحقیق رائق و اشتمال بر آیات و اخبار و آورده در شریعت و احتیوای بر مقالات

۱- از ترجمه حال ملاحمد نراقی قسمتی که در قصص العلماء یا نجوم السماء ذکر نشده و در اینجا آمده از طرف آقای حسن نراقی که از اعقاب آن مرحوم هستند لطفاً در اختیار نگارنده گذاشته شده است .

۲- در مقدمه کتاب پنج باب ذکر شده ولی در متن کتاب چهار باب بیش نیست. کتاب جامع السعادات نیز سه باب بیشتر ندارد و آنچه پدر در سه باب آورده پسر در چهار باب تلخیص کرده است

ارباب عرفان و اساطین حکمت که در این فن شریف تألیف و تصنیف شده کتاب موسوم به جامع السعادات است ... و از آنجا که اعلیحضرت ... فتحعلیشاه قاجار ... لطف عمیم اش مقتضی تعمیم این نعمت عظمی ... بود و کتاب مذکور ... بزبان عربی تعبیر و ارباب ایمان و اسحاب ایقان فارسی زبانان را از مواید فواید آن بهره حاصل نبود لهذا از مصدر عزت و اجلال و محفل حشمت و اقبال اشاره لازم البشاره باین دعاگوی دولت مصون از زوال صادر گردید که خلاصه مطالب و جل مقاصد آنرا بسیاق فارسی بعبارتی واضح بیان نماید که عموم ناس از فراید فواید آن نفع توانند یافت» (۱)

بنا بر این مطالب کتاب مانند کتب مجلسی فقط باستناد آیات قرآن و احادیث و اخبار نیست بلکه حکمت و عرفان نیز در استدلال مؤلف و مترجم دخالت داشته است .
عنوان ابواب کتاب بقرار ذیل است :

باب اول در حالات نفس و منفعت فضائل اخلاق و مضرت رذایل آن

باب دوم در سبب انحراف از طریق پسندیده

باب سوم در محافظت اخلاق حمیده

باب چهارم در تفصیل انواع اخلاق و شرافت فضائل و کیفیت اکتساب هر یک از آنها.

سه باب اول جمعاً در حدود پنج صدم کتاب و بقیه باب چهارم است که از حیث

تقسیم بندی به مقام و مطلب و فایده و فصل و مقصد شباهتی به تبویب قانون ابن سینا دارد.

باب چهارم به پنج مقام تقسیم شده و اخلاق مربوط بقوه و همیه و عاقله و غضبیه

و شهویه يك يك تشریح و طریق معالجه اخلاق ذمیمه بیان گردیده است . مقام اول در بیان

عدالت و اقسام آن و مقام دوم در معالجه اخلاق ذمیمه مربوط بقوه عاقله است . مقام سوم

در معالجه اخلاق ذمیمه مربوط بقوه غضبیه چون ترس و ضعف نفس و بی غیرتی و سوء

ظن و عصیت و تکبر و قساوت قلب و نظیر آن است . مقام چهارم در معالجه اخلاق رذیله

مربوط بقوه شهویه است مانند شهوترانی و مال دوستی و حرص و بخل و خیانت و غیره

و فضیلتی که در مقابل هر یک از این رذایل وجود دارد .

مقام پنجم در معالجه اخلاق رذیله مربوط بدو یا سه قوه از قوای انسانی است .

ردایل مذکور عبارتست از حسد و ظلم و عزلت و عیب جوئی و دروغ گوئی و سخن چینی و تملق و ریا و نفاق و کفران نعمت و اهانت بدیگران و مسامحه در امر بمعروف و نهی ازمنکر و مانند آن .

نظریات ملاحمد نراقی در تعلیم و تربیت در مقام دوم تشریح

نظریات

گردیده است . مقام دوم بدو مطلب تقسیم شده : مطلب اول

ملاحمد نراقی

در معالجه جهل - مطلب دوم در معالجه سایر صفات ذمیه

قوة عاقله چون جهل مرکب و شك و حیرت و شرك بخدا و حيله و مکر .

مطلب اول را يك فصل و دو فایده است . فصل در شرافت علم و علما است . فایده

اول در آداب تعلم و تعلیم . فایده دوم در اقسام علوم .

در مقدمه مطلب اول ملاحمد نراقی از وسواس و جهل بسیط سخن میگوید و راه

علاج هر يك را ذکر میکند و در فصلی که بعد میآید مینویسد که فلسفه و حکمت ضد

وسواس و جهل بسیط است و بدلائل عقلی و نقلی شرافت علم و علما را بیان میکند .

عدهای از آیات قرآن و اخباری که در این خصوص نقل میکنند سابقاً در این کتاب در صفحه

۳۶۵ و ۵۳۸-۵۳۷ ذکر گردیده و دیگر در اینجا تکرار نمیشود . از دلایل عقلی که مؤلف

خاطر نشان میکند یکی فواید علم است در دنیا یعنی عزت و اعتبار و شرف و احترام -

دیگر مطاع بودن حکم علما نزد پادشاهان .

در فایده اول آداب تعلم را بقرار ذیل بر می شمارد :

۱- پیروی نکردن از شهوات نفسانی و آمیزش نمودن با ارباب هوا و هوس .

۲- منظور از تحصیل باید تقرب بخدا و رسیدن بسعادت و دخول در عالم انسانیت

باشد نه منصب و جاه و مال و مفاخرت بر اقران . در اینجا بروایت از حضرت صادق سه نوع

طلبه را با مشخصات و علائم آنها ذکر میکند . نوع اول آنان که علم را برای استخفاف

مردم و استهزاء آنها فرامیگیرند . نوع دوم کسانی که برای خدعه و فریب تحصیل میکنند

نوع سوم اشخاصی که برای بصیرت در دین و تکمیل عقل و تحصیل یقین بتعلم میپردازند .

۳- هر چه را محصل فهمید و دانست باید بدان عمل کند و برای فهماندن مقصود

خود این بیت را ذکر میکند :

چو علمت هست خدمت کن که زشت آید بردانا

گرفته چنینیان احرام و مکی خفته در بطحا

۴- محصل باید حقوق معلم خود را بشناسد و او را دوست بدارد و نسبت باو فروتنی کند و حرمتش را نگاه بدارد و ویرا پدر معنوی و والد روحانی خود بداند و متذکر باشد که حقوق معلم بیشتر از حقوق پدر جسمانی است . علمارا نیز باید محترم شمرده مخصوصاً کسانی که انسان از کتب آنها منتفع میشود .

۵- پاک کردن نفس از اوصاف ذمیه .

قسمت دیگر از فایده اول در آداب تعلیم است که میتوان بطریق ذیل خلاصه نمود:

الف - معلم باید قصدش از آموختن قربت بخدا و ارشاد و رسیدن به ثواب باشد نه جاه و مال و ریاست و شهرت .

ب - نسبت به شاگرد باید مهربان باشد و پیوسته او را اندرز دهد و اندازه فهم او را در تدریس رعایت کند و با او بمالایمت سخن گوید و درشتی نکند .

ج - هر گاه معلم شاگرد را سزاوار فرا گرفتن علمی دانست در آموختن آن نباید مضایقه کند و خست و بخل ورزد و مطالبی را هم که شاگرد قادر بدرك آن نیست نباید بدو بیاموزد .

د - چیزی که خلاف واقع باشد معلم نباید تدریس کند بلکه آنچه مسلم و محقق است باید تعلیم دهد . هر چه در آن شبهه باشد باید مسکوت گذارد تا مطلب صحیح بدست آید آن گاه آنرا بیاموزد .

در پایان این فایده ملاحظه نراقی اوضاع تعلیم و تربیت زمان خود را باین نحو شرح میدهد :

« آنچه مذکور شد شرایط کلی تعلیم و تعلم است و ممکن که آداب جزئیة دیگر هم باشد که متفحص در احادیث و علم اخلاق بآنها مطلع گردد و کسی که معرفت باهل این زمان داشته باشد میداند که آداب تعلیم و تعلم مثل سایر اوصاف کمالیه مهجور و معلم و متعلم از ملاحظه شرایط دورند . زمان و اهلس فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد گشته نه نیت معلم خالص است نه قصد متعلم . نه غرض استاد صحیح است و نه منظور شاگرد

وباین جهت است که از هزار نفر یکی را رتبه کمال حاصل نمیشود و اکثر درجهل خود باقی میمانند - باوجوداینکه بیشتر عمر خود را در مدارس بسر میبرند (۱).

فایده دوم در اقسام علوم است .

بنظر ملاحمد نراقی از لحاظ شرافت و تکمیل نفس و وجوب تحصیل، علم بردو قسم است : علم دنیا و علم آخرت .

علم دنیا علمی است که فائده عمده آن در دنیا عاید میشود مانند طب و هندسه و حساب و هیئت و نجوم و موسیقی و عروض . از این علوم چندان سعادت در عالم عقبی حاصل نمیشود و تحصیل آنها واجب نیست مگر قسمتی از بعضی از آنها که واجب کفائی است یعنی اگر برخی از مردم آنرا بیاموزند کافی است .

علم آخرت آنست که نتیجه اش سعادت آخرت باشد و آن بسه دسته تقسیم میشود : علم الهی - علم اخلاق - علم فقه .

۱- علم الهی یعنی اصول عقاید که تحصیل قسمتی از آن در خصوص توحید و نبوت و عدالت و امامت و معاد بر همه کس واجب است . در این باب ملاحمد نراقی بعد کافی اصول دین و مذهب شیعه را تشریح کرده و راه رسیدن بمرتبه یقین را ، علاوه بر استدلالهای عقلی ، در ریاضت و زاری کردن و استمداد از مبادی متعالی دانسته است و در پایان میگوید انسان «اگر اعتقاد صحیحی داشته باشد همانست که در حال طفولیت اخذ کرده» (۲).

۲- علم اخلاق که پس از علم الهی اشرف علوم است . علم اخلاق راه تحصیل سعادت و نجات نفس یا هلاکت آنرا نشان میدهد و واجب عینی است یعنی «بر هر کسی لازم است که بعضی از اوقات خود را صرف شناختن معایب نفس و کمالات آن و طریق معالجه بیهوشی آن نماید - بر جوع مکتب اخلاق و حدیث یا استماع از ارباب این فن شریف» (۳).

(۱) معراج السعاده - چاپ ۱۳۰۶ قمری - صفحه ۴۴

(۲) همان کتاب صفحه ۴۷

(۳) همان کتاب صفحه ۴۸

۳- علم فقه در عبادات و معاملات و احکام که باندازه‌ای که مورد حاجت و ضرورت است واجب عینی است و «طریق اکتساب این علم باجتهاد و استنباط از ماخذ شرعیه است یا بتقلید از مجتهدزنده ... و هر که خواهد باجتهاد مسائل را بفهمد باید علم بصحت اجتهاد خود حاصل کند ... و بسیارند که عمر خود را صرف مسائل صرف و نحو کرده و در معانی و بیان بحد آنها رسیده ... و غافلند که دانستن کیفیت تکلم طایفه یارسیدن بدقایق ترکیبات الفاظشان و محسنات عباراتشان نه کار دنیا می‌آید و نه آخرت و بجز تضييع عمر و وقت و تلف مایه و تحصیل سعادت ثمری ندارد» (۱)

بنا بر این معلوم میشود که دوره مذکور مانند قرون وسطای اروپاست که وقت زیادی برای آموختن صرف و نحو لاتین میشد و بجای اینکه آنرا فقط وسیله‌ای برای تحصیل علوم و پی بردن بحقایق دانند عمری را در فرا گرفتن جزئیات آن تباه مینمودند. آموزش و پرورش بواسطه آشفتگی احوال و تزلزل اوضاع در قسمت عمده این دوره مردم کمتر بفرهنگ و تعلیم و تربیت توجه داشته‌اند. در عصر کریمخان زند و فتحعلیشاه که اغتشاشات داخلی کمتر بوده بحکم غریزه معارف پژوهی با بحکم ضرورت و احتیاج فی الجمله با آموزش و پرورش نظری معطوف گردیده است.

منظور از تعلیم و تربیت علاوه بر آنچه در فصل شانزدهم ذکر شد این بود که طفل را شیعه اثناعشری بار آورند و در عین حال او را تشوین به بدگویی از اهل سنت نمایند. در طبقات عالیّه ترس از روسیه باعث شد که حفظ و حراست کشور را از راه اخذ فرهنگ و علم و هنر اروپا تأمین نمایند.

در سازمان تغییر عمده حاصل نشد. در سلطنت کریمخان زند و فتحعلیشاه چند مسجد و مدرسه ساخته شد که مهمترین آنها مسجد و کیل در شیراز و مسجد شاه در تهران و نظیر آن در قزوین و بروجرد و سمنان و مدرسه سلطانی در کاشان بود. چهار مسجد اخیر الذکر و مدرسه کاشان بدستور فتحعلیشاه بنا گردید.

برای تعلیمات فنی نظامی در آرتش و کارخانه اسلحه سازی و توپ ریزی و

باروت کوبی عده‌ای معلم و مشاق و مهندس فرانسوی و انگلیسی و اطریشی بآموختن از راه عمل پرداختند .

بر نامه مکاتب و مدارس مانند پیش بود ولی فلسفه و حکمت مطرود نبود . در اثر اقدامات نادرشاه لعن کردن بخلفای سه گانه رسماً موقوف گردید و در مجالس و عظمی و روضه خوانی و تعزیه (شبه خوانی) از دشنام دادن باهل سنت و کافر شمردن آنها خودداری شد . علم الهی و فقه و تفسیر و حکمت و مقدمات آنها یعنی صرف و نحو عربی و منطق و همچنین مقداری حساب و هندسه مقدماتی و نجوم در مدارس تدریس میگردید .

در خارج از مکاتب و مدارس تعلیم زبان فرانسه و انگلیسی بعهده‌ای از صاحب منصبان و شاهزادگان و اطفال اعیان و اشراف آغاز شد .

روش تعلیم در مکاتب و مدارس تغییری نکرد ولی آموختن بطریق دسته جمعی و گروهی در آرتش معمول گردید . برای نخستین بار آموزش زبانهای فرانسوی و انگلیسی مطابق روش جدید آغاز شد و تعلیم از راه حرف زدن و مکالمه و استفاده عملی از زبان خارجه مرسوم گردید و اکتفا بخواندن و نوشتن (مانند زبان عربی) نشد .

در نتیجه کم شدن تعصب مذهبی و تغییر رویه نسبت بمتصوفه ، شعرا و نویسندگان بسبب متقدمین رجعت کردند و بشیوه بزرگان ادب و علم پیش از استیلاء مغول مانند فردوسی و فرخی و منوچهری و خاقانی و سعدی و مولوی سخن گفتند و اشعار آمیخته بعرفان سرودند و تاحدی از لفاظی و انشاء معقد و متکلف دوری جستند و شاید در نتیجه مکاتبه با اروپائیان و حشر با آنان در نشر بطرف اصلاح و سلاست و سلامت و متانت متمایل گردیدند . سید احمد هاتف اصفهانی و میرزا حبیب قاآنی شیرازی و میرزا ابوالقاسم فراهانی قایم مقام عالی ترین نمونه نظم و نثر این دوره را بوجود آوردند .

در قسمت اعظم این دوره صدویست ساله بواسطه اغتشاشات

نتیجه

داخلی و جنگ های روس و عثمانی تزلزل در اوضاع ایران

حکمرما بود و برای اهل فضل و سایل امن و آسایش فراهم نبود و همین مسئله یکی از موجبات عدم توجه بفرهنگ جدید اروپا و بازماندن از کاروان ترقی گردید .

در اثر کاسته شدن از تعصب مذهبی چنانکه در فوق گفته شد فلسفه و حکمت و

تصوف باندازهٔ اواخر دورهٔ صفوی مذموم و مهجور نبود و عده‌ای از شعرا و نویسندگان تمایل خود را بحکمت و عرفان ابراز داشتند و کتب و اشعار خود را از این چشمه‌ها بهره بخشیدند .

جنگهای بین ناپلئون و انگلستان و روسیه در اروپا - استیلاء دولت انگلیس بر هندوستان - سیاست استعمار و توسعه طلبی روسیه در ایران باعث شد که مملکت ما در صحنهٔ منازعات و مخاصمات بین‌المللی و رقابت و کشمکش روس و انگلیس وارد گردد. در نتیجهٔ انحصار توجه بمذهب و علوم دینی در دورهٔ صفوی و عدم توجه بعلوم طبیعی و ریاضی و صنایع جدید و وجود حائل (یعنی مملکت عثمانی) بین ایران و اروپای غربی، کشور ما با آلات و ادواتی مجهز و با علومی آشنا بود که آنرا در مقابل حملات روسیه با فنون جنگی جدید و اسلحهٔ تازه توانائی مقاومت و مبارزهٔ طولانی نبود لذا در کشمکش و رقابت مذکور و در برابر حرص و طمع روسیه جز شکست و ناکامی و خفت و شرمساری و مغلوبیت و محدودیت چیزی عاید نشد .

شکست‌های مذکور و حشر افراد طبقات عالی کشور با اروپائیان موجب شد که عده‌ای از زمامداران تا اندازه‌ای متنبه و آگاه شدند و فی‌الجمله از خواب غفلت بیدار گشتند و در صدد برآمدند که از عالم و هنر جدید مغرب‌زمین استفاده کنند ولی بواسطهٔ مخالفت محیط و ضدیت عناصر مرتجع و ضعف حکومت آهسته آهسته با گامهای بسیار کوچک بطرف این مقصود رفتند تا بتدریج در ظرف پنجاه سال زمینه برای تأسیس مدرسهٔ دارالفنون فراهم شد و وسیله برای اخذ فرهنگ و تمدن جدید اروپا بدست آمد و ایرانرا وارد دورهٔ تازه‌ای کرد که در فصل آینده باید از آن سخن گفت .

فصل بیست و دوم

بسوی تجدد و تحول

از تأسیس دارالفنون تا زمان حاضر

۱۳۶۰ - ۱۲۶۸ قمری
۱۳۲۰ - ۱۲۳۰ خورشیدی

پس از قتل امیر کمیر حوادث مهمی که روی داد نتیجه رقابت روس و انگلیس و فساد و ضعف دربار و حکومت بود. دو دولت همسایه مذکور بر پیکر نحیف ایران مسلط بودند و هر يك سعی میکرد منافع برای خود تأمین کند. مثلاً قسمتی از کشور را متصرف شود یا امتیازی را از دولت بگیرد و همین که کامیاب میشد دیگری بهم چشمی او سهم بزرگتری طلب میکرد و دولت ناتوان ما مجاهدت مینمود که صورت ظاهر را حفظ کند و در صورت امکان حدی برای مطامع آنها قائل شود.

رویه روس و انگلیس

روسها که از نیمه قرن سیزدهم چشم طمع به خوارزم و ماوراءالنهر و نواحی شرقی دریای خزر دوخته بودند از ۱۲۶۵ شروع بدست اندازی نمودند و پس از سی سال، تمام آن اراضی وسیع و بلاد معتبر را تصرف کردند و با ایران از طرف شمال شرق نیز همسایه شدند و در ۱۲۹۹ با ناصرالدین شاه عهدنامه ای منعقد و خط مرزی ایران را مطابق سرحد کنونی معین کردند. در مقابل پیشرفت و تسلط روسیه در خوارزم و ماوراءالنهر، دولت انگلستان اعتراض بتصرف هرات از طرف والی خراسان نمود (۱۲۷۳) و جزیره خارك و بوشهر و خرمشهر و اهواز را تصرف کرد و در نتیجه وساطت ناپلئون سوم بموجب معاهده پاریس

مورخ ۷ رجب ۱۲۷۳ ناصرالدین شاه هرات را تخلیه و از حقوق ایران بر افغانستان صرف نظر نمود. انگلیسها نیز سپاه خود را فراخواندند ولی تصمیم گرفتند بلوچستان را که خراج گذار ایران بود جزو امپراطوری هند کنند و باین منظور در ۱۲۸۰ قرارنامه‌ای بعنوان تعیین حدود هندوستان بامضای شاه رساندند و تسلط خود را بر بلوچستان رسمیت دادند.

در ۱۲۸۵ روسها امتیاز شیلات دریای خزر را از ناصرالدین شاه گرفتند. در مقابل، انگلیسها در ۱۲۸۹ امتیازی بنام روتر (۱) برای ایجاد راه آهن و استخراج معادن و بهره برداری از آبها و جنگلها و غیره بدست آوردند که البته بر امتیاز شیلات فزونیه داشت و مورد اعتراض روسها واقع و بالاخره لغو گردید.

در ۱۳۰۶ انگلیسها امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی ایران و انتشار اسکناس را اخذ کردند و روسها در مقابل در ۱۳۰۸ بانک استقراضی را که شعبه‌ای از وزارت دارائی روسیه بود ایجاد کردند.

وقتی دولت ایران عده‌ای صاحب منصب برای اصلاح نظام از اطیش استخدام کرد روسیه چندان فشار آورد که دولت پس از چندی ناگزیر شد آنان را بکشور خود روانه سازد و در ۱۲۹۶ نیروئی بوجود آورد بلباس قزاقان روس در تحت امر و تعلیم صاحب منصبان روسی که تا ۱۳۴۰ در ایران باقی و برقرار بود و نفوذ روسیه را در ایران تکمیل نمود.

در ۱۳۰۲ امتیاز انحصار دخانیات بانگلیسها داده شد و همینکه بکار مشغول شدند در اثر مخالفتهایی که ابراز گردید در ۱۳۰۹ امتیاز نقض و پانصد هزار لیره غرامت بآنها پرداخته شد و این مسئله بشهرت انگلیسها لطمه زد و بر نفوذ روسها افزود.

در زمان ناصرالدین شاه که قریب پنجاه سال قمری سلطنت کرد امنیت در داخله برقرار بود و با خارجه جنگ مهمی صورت نگرفت. بنابراین زمینه تا حدی برای اصلاحات فراهم بود

انجام کار
ناصرالدین شاه

ولی ناصرالدین شاه در مقابل نیرنگ درباریان و مخالفت روحانیان و ضدیت مرتجعین و کسانی که اصلاح امور مملکت بزیان آنها بود نتوانست ایستادگی کند و در نتیجه

امیر کبیر را از میان برد و حاج میرزا حسینخان سپهسالار را که در ۱۲۸۸ اقداماتی را آغاز نمود از کار برکنار کرد. در اثر خرابی محاضر شرع و نبودن عدالت و اجحاف مأمورین دولت و گرفتن وجوه هنگفت بعنوانین مختلف از مردم - در اثر نشر افکار جدید و اطلاعات تازه راجع با آزادی و رعایت قانون در ممالک اروپا، همه جا در کشور نارضایتی حکمفرما بود. در ۱۳۱۳ یکی از افراد ناراضی بنام میرزا رضای کرمانی که مکرر حبس و عقوبت کشیده و از مظالم کامران میرزا پسر شاه (که وزارت جنگ را بر عهده داشت) و حاکم تهران بتنگ آمده بود در ۱۷ ذیقعده ناصرالدین شاه را در حرم حضرت عبدالعظیم بضرب تپانچه از پای در آورد.

مظفرالدین شاه

۱۳۱۳-۱۳۲۴

در این موقع ولیعهد ۴۴ سال داشت و در تبریز وقت را بعیاشی و بطالت میگذراند. مردی بود رنجور و بی اراده ولی خوش قلب. در ذیقعده ۱۳۱۴ صدارت را بامین الدوله تفویض کرد و او نیز شروع با اصلاحاتی در امور مالی و گمرک و ضرابخانه نمود لیکن مخالفت مفسدین و دسیسه طرفداران امین السلطان نگذاشت بر سر کار باقی بماند و در ربیع الاول ۱۳۱۶ معزول گردید. جانشین او میرزا علی اصغر خان امین السلطان که مردی بذال و مسرف و خوش مشرب و بی قید نسبت با اصلاحات و منافع عمومی بود در ۱۳۱۷ و ۱۳۲۰ دو قرض مهم بمبلغ سی و دو میلیون و نیم منات طلا از روسیه کرد و ۲۹۰ هزار ایره هم از بانک شاهنشاهی در ۱۳۲۱ استقراض نمود و گمرکات ایران و عواید شیلات و پست و تلگراف را بوثیقه داد و باین ترتیب دول روس و انگلیس را مستقیماً در امور مالی مملکت مداخله و نظارت داد. تمام وجوه استقراضی برای پرداخت مواجب های عقب افتاده مفتخوران و مسافرت مظفرالدین شاه با اروپا و خرید اسباب بازی و اشیاء بیهوده صرف شد.

تأسیس مشروطیت

در ۱۳۲۱ نوبت صدارت بعین الدوله رسید که جدی و ثابت قدم ولی بی میل با اصلاحات بود و خواست عدم رضایت مردم را باقوه قهریه جلو گیری کند لیکن پیشرفت افکار تازه و جوش و خروش مردم بحدی بود که بالاخره مظفرالدین شاه ناگزیر شد او را برکنار و فرمان مشروطیت را در ۱۴ جمادی

الاخره ۱۳۲۴ صادر کند . در ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۴ قانون اساسی باعضای مظفرالدین شاه و وایعهد رسید .

چند روز پس از توشیح قانون اساسی مظفرالدینشاه در گذشت
 و پسرش محمد علی شاه در همان ماه بتخت نشست . مجلس
 اول که در شعبان ۱۳۲۴ تشکیل شد متمعن قانون اساسی را
 تصویب کرد و در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ باعضای محمد علی شاه رسید .

محمد علی شاه

۱۳۲۴-۱۳۲۷

نخستین اقدام مجلس در راه اصلاحات ، تهیه بودجه مملکت و حذف مخارج و مستعمریهای زائد بود . محمد علی شاه که طبعاً خودخواه و مخالف با مشروطیت بود بنای ضدیت با مجلس و آزادیخواهان گذاشت و در ۱۳۲۶ بدستیاری نیروی قزاق و صاحب منصبان روسی عمارت مجلس را بتوپ بست و عدهای از احرار و پیشوایان مشروطه چون میرزا جهانگیر خان شیرازی و سید جمال الدین اصفهانی و ملک المتکلمین را بکشت و مجدداً استبداد را برقرار ساخت . لیکن مردم زیر بار نرفتند . در تبریز قیام کردند و در گیلان مجاهدین بریاست محمدولی خان سپهسالار و در اصفهان بختیاریها بفرماندهی سردار اسعد بختیاری (علیه قلیخان) با محمد علی شاه به مخالفت برخاستند و بالاخره بطرف تهران هجوم آوردند و در ۱۳۲۷ نیروی شاه را مغلوب ساختند . محمد علی شاه بسفارت روس پناه برد و با این حرکت سلطنت از او منتزع شد .

احمد میرزا پسر ارشد محمد علی شاه که صغیر بود از طرف
 ملیون بسلطنت و عضدالملک به نیابت سلطنت معین گشت و

احمد شاه

۱۳۲۷-۱۳۴۴

پس از فوت عضدالملک ابوالقاسم خان ناصر الملک بدین مقام
 از طرف مجلس دوم انتخاب شد . دولت به پشتیبانی مجلس اصلاحاتی را آغاز کرد و
 نخست بامور مالی پرداخت . در اوایل ۱۳۲۹ چند کارشناس مالی بریاست شوستر از امریکائیان
 و چند صاحب منصب سوئدی برای تأسیس ژاندارمری استخدام نمود ولی همینکه شروع
 بکار کردند روسیه بنای مخالفت گذارد و تحریکات بسیار بر ضد حکومت مشروطه کرد
 و بالاخره اخراج امریکائیان را بوسیله اتمام حاجتی خواستار شد و سپاهیانش وارد

خاك ايران گشتند و تاقزوين پيش آمدند و در تبريز آزاد بخوانان و در رأس آنها تاقه الاسلام در روز عاشورا ۱۲۳۰ بدار آویختند و عده‌ای را شقه کردند و اجساد آنها را به درو شهر زدند.

دولت به تعطیل مجلس که مخالف با قبول اتمام حجت روس بود ناگزیر شد امریکاییها را بکشور خود روانه ساخت.

در ۱۲۳۲ جنگ جهانی اول در گرفت. ایران بی طرفی خود را اعلام کرد، چون قادر بحفظ بی طرفی نبود دول روس و انگلیس که با هم متحد بودند و در عثمانی که با آلمان اتحاد داشت بر ضد یکدیگر بخاك ما لشکر کشیدند و مملکت میدان جنگ و قتال کردند و صدمات جانفرسا بر مردم وارد ساختند.

در ۱۲۳۵ انقلاب روسیه صورت گرفت و سپاهیان روس ایران را ترك گفتند جنگ جهانی در ۱۲۳۷ پایان یافت که مقارن با ۱۲۹۷ خورشیدی است. از این تا بموجب تصمیم دولت ماه و سال شمسی بکار رفت بنا بر این حوادثی که از این پس داده بسال شمسی قید خواهد شد.

در خرداد ۱۲۹۹ دستهای از نیروی بلشویک روسیه با کشتی جنگی بندر پهلوی را تصرف کرد و بکرمک میرزا کوچک خان را جنگلیان بر گیلان دست یافت. نیروئی که از تهران برای ما با مهاجمین بگیلان فرستاده شد بواسطه عدم توجه دولت کاری از پیش نبرد. سر رضاخان که فرماندهی قسمتی از نیروی مذکور را داشت از فساد مرکز و عدم توجه در ضعف حکومت بر آشفت و از گیلان بقزوین آمد و از آنجا با عده‌ای که داشت در سوم اسفند ۱۲۹۹ تهران ورود کرد و احمدشاه را و ادار بتشکیل دولت جدیدی برپا آقای سید ضیاء الدین طباطبائی نمود و خود بدو فرماندهی نیروی نظامی سپس وز جنگ را (بالقب سردار سپه) عهده دار شد.

نخستین گامی که سردار سپه برداشت اصلاح قشون بود. نیروی قزاق و ژاندارم را کرد و صاحب منصبان روسی را مرخص نمود و با سپاهی که تشکیل داد متجاسرین گیلان

سرکوبی نمود و امنیت را در آن صفحات برقرار کرد. عهدنامه‌ای با روس که مقدماتش قبلاً آماده شده بود بامضا و در آذر ۱۳۰۰ بتصویب مجلس چهارم رسید و به‌وجب آن دولت شوروی از امتیازات و مطالبات روسیه تزاری صرف‌نظر کرد.



رضا شاه پهلوی

در ۱۳۰۲ سردار سپه ریاست دولت را عهده‌دار شد و با سرکوبی عشایر و خلع سلاح آنها امنیت همه جا برقرار گردید و قدرت دولت در تمام کشور پرتو افکند و مالیاتهای عقب‌افتاده وصول و زمینه برای اصلاحات فراهم شد چنانکه مستشاران امریکائی

که در ۱۳۰۱ استخداام شدند توانستند خدمات شایانی در امور مالی بکنند .

رضاشاه پهلوی
۱۳۲۰-۱۳۰۴
در آبان ۱۳۰۴ سلطنت از خاندان قاجار منتزع شد و مجلس
مؤسسان که در آذر ۱۳۰۴ تشکیل گردید در قانون اساسی
تجدید نظر کرد و سردار سپه را بنام رضاشاه پهلوی بساطت
برگزید و پادشاهی را در خاندان پهلوی موروئی کرد .

فهرست مهمترین اصلاحاتی که در مدت سلطنت رضاشاه انجام یافته بقرار ذیل است:

- ۱- تأسیس سپاه ملی بوسیله وضع نظام وظیفه در ۱۳۰۴
- ۲- الغاء حق قضاوت کنسولها (کاپیتولاسیون) در ۱۳۰۶
- ۳- تدوین مجموعه قوانین مدنی و جزائی و آئین دادرسی - اجرای احکام دادگستری
- ۴- يك شكل کردن لباس مردم در ۱۳۰۷
- ۵- مربوط ساختن نواحی مختلف مملکت بوسیله راههای شوسه و راه آهن
- ۶- رفع حجاب از زنان در ۱۳۱۴
- ۷- بسط و توسعه فرهنگ که تفصیل آن در صفحات بعد ملاحظه خواهد شد
- ۸- تأسیس کارخانه های قندسازی و نخریسی و پارچه بافی و چرمسازی و سیمان
و حفظ مصنوعات داخلی از رقابت خارجی
- ۹- دفع آفات حیوانی و نباتی و تهیه مواد اولیه برای کارخانه های مذکور
- ۱۰- تأسیس بانک ملی با حق انتشار اسکناس و همچنین بانک کشاورزی و رهنی

و تعاونی سپه

- ۱۱- تأمین استقلال گمرکی ایران - تعدیل مالیاتها - تشکیل شرکتها
- ۱۲- آبادی شهرها و قصبات و ساختن ابنیه و عمارات عمومی چون مدارس و
بیمارستانها و بانکها و موزه و کتابخانه و وزارتخانه ها و مهمانخانه ها و باشگاه ها -
ایجاد چند بندر جدید

۱۳- تشیید دوستی با ترکیه و مسافرت رضاشاه بآن کشور در ۱۳۱۳

۱۴- ایجاد یگانگی و وحدت در میان مردم .

جنگ جهانی دوم

در ۱۳۱۸ جنگ جهانی دوم آغاز گردید و دولت ایران بیطرفی خود را اعلام کرد. در ابتدا جنگ بین ممالک غربی و مرکزی اروپا بود و بتدریج دامنه آن وسعت یافت. در تیرماه ۱۳۲۰ آلمان بروسیه حمله کرد و باین ترتیب روسیه متحد انگلستان شد. برای رساندن مهمات جنگی و خواربار بروسیه، دول انگلیس و روس بیطرفی ایران را نقض و ممالکت ما را بقوه قهریه اشغال نمودند. رضاشاه استعفا داد و سلطنت را باعلیحضرت محمد رضا شاه پهلوی تفویض و خاک وطن را ترك فرمود (شهریور ۱۳۲۰)



پس از ملاحظه مختصری از تاریخ، میتوان مدت بین تأسیس دارالفنون و زمان حاضر را از لحاظ تعلیم و تربیت بسه دوره تقسیم نمود:

دوره اول از تأسیس دارالفنون تا تأسیس حکومت مشروطه در ۱۳۲۴ قمری

دوره دوم از تأسیس حکومت مشروطه تا پایان جنگ جهانی اول در ۱۳۳۷ قمری

(۱۲۹۷ خورشیدی)

دوره سوم از ۱۲۹۷ شمسی تا زمان حاضر

دوره اول

۱۳۲۴ - ۱۲۶۸

پیشرفت فرهنگ در نتیجه امنیتی که در دوران سلطنت ناصرالدین شاه فراهم شد فرهنگ رونقی گرفت و طبقات متوسط و عالی توانستند تا حدی بتعلیم و تربیت و شعر و ادب پردازند. ازینروست که پروفیسور براون در جلد چهارم تاریخ ادبی ایران مینگارد: «در زمان سلسله قاجاریه مخصوصاً از اواسط قرن سیزدهم هجری ادبیات فارسی چه نشر و چه نظم داخل مرحله جدیدی از زندگانی شد و نه فقط راه انحطاط نیمود بلکه بدرجهای از پیشرفت نائل شد که از قرن دهم هجری باینطرف بآن مرتبه نرسیده بود» (۱) در این دوره نویسندگانی بوجود آمدند که آثار خوب

از خود باقی گذاشتند چون فروغی بسطامی و یغهای جندقی و رضاقلی هدایت (متوفی در ۱۲۸۸) صاحب مجمع الفصحاء و ریاض العارفین و مباحثات روضة الصفا و حاج ملاحادی سبزواری (متوفی در ۱۲۹۵) صاحب اسرار الحکم و منظومه و میرزا تقی سپهر لسان الملك (متوفی در ۱۲۹۸) مؤلف ناسخ التواریخ و براهین العجم. در این دوره چهار کتاب رجال (فرهنگ اسامی دانشمندان) تألیف گردید که سه کتاب آن یعنی نجوم السماء محمد بن صادق (متوفی در ۱۲۸۶) و قصص العلماء محمد بن سلیمان تنکابنی (متوفی در ۱۲۹۰) و نامه دانشوران در هفت جلد توسط مجمعی از فضلا بفارسی است و کتاب روضات الجنات محمد باقر خوانساری بهربی.

پیشرفت دیگری که در اوایل این دوره حاصل شد در تعزیه خوانی و تربیت مذهبی اکابر بود. البته روضه و مرثیه خوانی در این دوره مانند ادوار پیش جریان داشت و ای سوگواری بشکل نمایش که ظاهر آدر او آخر صفویه بصورت حمله خوانی (۱) آغاز و در او آخر قرن دوازدهم باعمل و نمایش توأم گردیده بود در این دوره رو بتکامل رفت. برای نمایشهای مذهبی مذکور ناصرالدین شاه تعزیه خوانهای خوش الحان و باهوش را جالب و تشویق فرمود و تکیه دولت را در جنب قصر سلطنتی گاستان بنانهاد که برای اعیان و اشراف و حکام ولایات نمونه و سرمشق واقع شد و نظیر آنرا در شهرهای مهم برپا ساختند. تعزیه‌هایی که در تکیه دولت نشان میدادند و شاه و حرمسرا در آن حضور مییافتند چه از حیث آرایش و چراغانی و چه از حیث مهارت هنرپیشگان بسیار جالب و با جلال و شکوه بود و در تهذیب اخلاق و تزریق محبت نسبت ببزرگان دین و پرورش ذوق صنعتی تأثیر فراوان داشت. سفرها و سیاحان اروپائی که در مجالس تعزیه حضور داشته و مشاهدات خود را نوشته‌اند از آنها تمجید بسیار نموده‌اند. (۲).

(۱) یعنی خواندن از کتاب «حمله» که رفیع قزوینی (متوفی در ۱۱۲۲) بشعر سروده و داستان جنگ بین لشکر ابن سعد با همراهان و یاران حضرت سیدالشهداء است.

(۲) مثلاً رجوع شود به کتاب «ایران امروز» تألیف اوژن او بن Eugène Aubin که نام حقیقی اش دکو Décos و سمتش وزیر مختار فرانسه در ایران بوده و همچنین کتاب ادبیات ایران در عصر جدید تألیف پروفیسور براون صفحه ۱۸۶ که در آن عقیده چندتن از نویسندگان مهم انگلیس و سیاحان ذکر گردیده است.